

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هشتم، شماره سی و دوم، پاییز 1395

ص ص 73-96

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم مراکز تحت حضانت بهزیستی و کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام

رقیه سلامتی¹

دکتر داوود ابراهیم‌پور²

تاریخ دریافت مقاله: 1395/4/21

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: 1395/8/23

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان نشاط اجتماعی می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش را کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم مراکز تحت حضانت بهزیستی و کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام شهر تبریز تشکیل می‌دهند. که تعداد آنها 890 می‌باشد، که 800 نفر، تحت حضانت اقوام و 90 نفر نیز تحت حضانت بهزیستی بودند. از بین آنها تعداد 333 نفر با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. با توجه به مفهوم‌سازی انجام شده از نشاط اجتماعی و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اجتماعی، هشت فرضیه جهت آزمون ارائه گردید. جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی‌تست و رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده گردید. نتایج فرضیه‌ها نشان داد که؛ بین میزان سرمایه فرهنگی و همچنین سرمایه اجتماعی با نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین سن و میزان سرمایه اجتماعی هر دو گروه از کودکان رابطه معنی‌دار گزارش نشد. میزان سرمایه اجتماعی بر اساس جنسیت، در بین کودکان تحت حضانت اقوام تفاوتی نداشته، اما در بین کودکان بهزیستی تفاوت معنی‌داری وجود داشت. به طوری که در بین پسران، بیشتر از دختران می‌باشد. در بررسی رابطه بین سن و میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان اقوام معنی‌دار نبوده، اما در بین کودکان بهزیستی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. همچنین در بررسی رابطه بین سن و سرمایه فرهنگی در بین کودکان هر دو گروه رابطه معنی‌دار وجود داشت. اما میزان سرمایه فرهنگی هر دو گروه از کودکان تفاوت معنی‌دار بین دختران

1. دانش‌آموخته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز - ایران.

E-mail: ebrahimpoord@iaut.ac.ir

2. عضو عیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ تبریز - ایران (نویسنده مسئول).

و پسران وجود نداشت. میانگین میزان نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت اقوام 39/18 درصد و در سطح متوسط به پایین و میانگین میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان تحت حضانت بهزیستی 24/39 درصد و در سطح پایین گزارش شد. به عبارتی میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان تحت حضانت اقوام با اختلاف 15 درصدی، نسبت به کودکان تحت حضانت بهزیستی بالاتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: نشاط اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، کودکان تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام.

مقدمه

شادی موهبتی است که، ارزش آن برای کسی که دچار گرفتاری‌ها و افسردگی‌ها شده است، بیشتر است. شادی موضوعی کاملاً فردی نیست و تا حدودی یکی از خواص جامعه است. شادی جامعه تابعی از عواملی است که بیشتر در آن‌ها تجلی می‌یابند (آرگایل، 1382: 327). شادکامی و نشاط از ویژگی‌ها و روحیاتی است که در زندگی اجتماعی نقشی اساسی و بنیادین ایفا می‌کند. به گونه‌ای که در مقایسه با هر خصلت و روحیه دیگر، بیشترین سهم را در بهبود روابط و معاشرت‌ها بر عهده دارد. انسان موجودی هدف‌مند است، از زمانی که پا به عرصه این جهان می‌گذارد و به خود، اهداف خود و به جهانی که پیرامون وی است وقوف پیدا می‌کند، در پی آن است تا، اهداف خویش را تحقق بخشد. اگرچه اهداف انسان ریشه در نیازهایی دارد که او را در کنش متقابل با دیگران بر ابعاد بر شمرده شده وقوف یافته و از تمام امکانات برای دستیابی به آن‌ها بهره می‌گیرد. نقش ارزش‌ها در احساس خوشبختی و نشاط و در تحقق اهداف نقشی اساسی است. این ارزش‌ها هستند که اهداف را تعیین می‌نمایند و تحقق اهداف، احساس خوشبختی و نشاط را ممکن می‌سازد. به عبارتی احساس خوشبختی و نشاط، بازتاب توازن میان آرزوها و خواسته‌های فردی و میزان تحقق آن‌ها است. زمانی که انسان اهداف خود را محقق می‌یابد، احساس نشاط و رضایت می‌کند، در صورتی که به اهداف خود دست پیدا نکند، نشاط، شادکامی و رضایت‌مندی وی کاهش می‌یابد. گام نهادن در مسیر توسعه و یا ایجاد جامعه‌ای که در آن آرامش و سعادت محقق شود، به زمینه یا مقدماتی نیاز دارد که با اتکاء به آن، این خواست تحقق پیدا یابد. از جمله این مقدمات، شادی و نشاط فردی و اجتماعی می‌باشد. امروزه باور اساسی بر آن است که در مورد یک ملت تنها با رشد اقتصادی، نمی‌توان قضاوت کرد. بلکه احساس خشنودی، امنیت، رضایت اجتماعی و شادمانی و نشاط مردم نیز مهم است. در یک جامعه مطلوب، برابری آموزش، بهداشت و احترام به حقوق دیگر انسان‌ها و برخورداری از نیازهای اساسی از ملزومات یک جامعه و شاخص‌های توسعه آن به شمار می‌رود (خیرالله‌پور، 1385). یکی از چالش‌های فراروی انسان در دنیای امروز، احساس بهزیستی و شادمانی است، چرا که با وجود پیشرفت‌های

چشم‌گیر در فن‌آوری و تامین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (قطره‌ای، 1385: 8). بر طبق گزارش‌های موجود، مردم ایران جز افسرده‌ترین مردمان کشورهای جهان هستند و افسردگی جزء شایع‌ترین بیماری‌های روانی است. تعداد بیماران روانی و بیماران افسرده ثبت شده ایران، حدود 15 میلیون نفر اعلام شده و از طرفی جمعیت افراد افسرده را حدود 10 تا 12 درصد کل جمعیت کشور ذکر کرده‌اند. در کشور ما سن افسردگی از 27 سال به 17 سال رسیده است (نشریه آمار، 1383: 30).

نشاط اجتماعی یکی از اصلی‌ترین نیازهای جوامع امروزی است، چرا که شهروندان کلانشهرها کمتر فرصت این را پیدا می‌کنند که به خودشان و نیازهای‌شان فکر کنند و به شدت مستعد افسردگی می‌شوند. جامعه با نشاط و فرهمند، جامعه‌ای است که استعدادهای افراد آن شکوفا شده و رفاه و امنیت را برای آحاد آن جامعه به ارمغان آورد. در مقابل، جامعه افسرده، خموده و غمگین، هر روز بر مشکلاتش افزوده شده و با شتاب رو به انحطاط می‌گراید. انسان موجودی هدفمند و جویای شادکامی و سعادت است و شادی به عنوان یکی از نیازهای روانی او به دلیل تاثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت و مجموع زندگی‌اش دارد، همواره اهمیت داشته است. نشاط هر جامعه‌ای موتور محرکه آن است، تاثیر نشاط اجتماعی آن چنان است که جامعه‌شناسان سال‌هاست درباره آن صحبت می‌کنند. پرسش اصلی در این تحقیق رابطه بین نشاط اجتماعی با سرمایه اجتماعی و فرهنگی در بین دو گروه از انسان‌هاست. برای پاسخگویی به این پرسش لازم است از حیث نظری تعریفی از نشاط اجتماعی و عوامل موثر بر آن را داشته باشیم. شادی در لغت به معنای شادکامی، شادمانی و مسرت آمده است (دهخدا). از لحاظ مفهومی این پدیده هر چند از زوایای گوناگون تعریف شده است ولی در هر حال، نشاط اجتماعی از طریق هنجارهای جامعه معنا می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت: نشاط و شادی تحت تاثیر جامعه و شرایط فردی انسان‌ها قرار دارد. شادکامی موجب تحرک فیزیکی و شکوفایی ظرفیت‌های جدید در جامعه می‌شود. برقراری گسترده روابط اجتماعی، گسترش مشارکت‌های مردمی و هدفمندی جامعه از آثار نشاط اجتماعی است (هزارجریبی، 1389: 33). نشاط اجتماعی حاصل عواملی است که از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت‌اند. این تفاوت، ناشی از فرهنگ جوامع است. مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، عدالت اجتماعی، پای‌بندی به معتقدات دینی، بیگانگی، همبستگی و محرومیت اجتماعی از عواملی هستند که در کاهش و افزایش نشاط اجتماعی موثرند (هزارجریبی و دیگران، 1388: 123). با ورود به هزاره سوم میلادی، شهرها به ویژه کلانشهرها با مسائل عدیده‌ای درگیر هستند که، نمود عینی آن‌ها را در گسترش آلودگی‌ها، مسائل زیست‌محیطی، بالا رفتن جرائم و در نهایت در پایین آمدن نشاط اجتماعی افراد می‌توان مشاهده نمود. شادی و نشاط یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت و یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تامین سلامت فرد و جامعه داشته و از آن جایی که شادی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است. می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در فرایند توسعه جامعه داشته باشد - (خیرالله‌پور، 1385: 128). از سال 2000 به بعد در نگاه سازمان ملل، برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی -

کشورها، متغیرهای شادکامی، امید به آینده، خشنودی و رضامندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است (هزارجریبی و دیگری، 1389: 32). در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی نیز، با درک اهمیت این موضوع، بر لزوم توجه به نیروی انسانی سالم و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی استعدادهای انسانی و پرورش‌های سالم، کارا و متعهد و با نشاط تاکید شده است (هزارجریبی و دیگری، 1391: 330). در نتیجه، با مطرح شدن روزافزون شادی، در امر سلامتی روان و خوشبختی و همچنین تاثیر آن در تقویت قوای روانی انسان، برای مقابله با پیچیدگی‌ها و مشکلات دنیای امروز، توجه و نظر محققان و اندیشمندان و حتی عوام نسبت به آن تغییر کرده است، چرا که طبق نتایج تحقیقات موجود، شادی صرف‌نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد (مایزر^۱، 2002: 481).

همان‌گونه که اشاره شد، سن افسردگی در ایران به 17 سال رسیده است. بنا بر این، در تحقیق حاضر کودکان 12 تا 18 سال، در دو گروه تحت حضانت بهزیستی و اقوام برای سنجش میزان نشاط اجتماعی انتخاب شده‌اند. با توجه به مطالب فوق، در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم 1. میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام چه قدر است؟ 2. بین میزان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام چه رابطه‌ای وجود دارد؟

افزایش نشاط و سرزندگی و امیدآفرینی فردی و اجتماعی مفهومی بیش از یک احساس شادی، رضایت و خرسندی سطحی و معمولی دارد. به تجربه ثابت شده، شادی و نشاط ماده اولیه تغییر جامعه و تحول و تکامل درونی انسان‌هاست. در جامعه خوشحال و خرسند، تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد سالم‌تر خواهد بود و بدون شک، در چنین محیطی، امنیت اجتماعی و فردی راحت‌تر به دست می‌آید. در محیط شاد، ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفا می‌شود. شاد بودن جامعه، یکی از عوامل موثر به توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و باعث کاهش نابسامانی‌های خانوادگی، افزایش میل و رغبت تحصیلی، دل به کار دادن و افزایش تولید می‌شود (فرجی و دیگری، 1392: 89).

شادمانی و رضایت مردم از زندگی، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مطرح است. بین شادی و زندگی رابطه مستقیمی وجود دارد، یعنی کسی که در ظاهر و باطن شاد است. چهره‌ای گشاده دارد، امیدواری، پویایی و تفکر منطقی بر وجودش حکمفرماست. شادی، تصمیم‌گیری را برای او آسان می‌سازد و تلاش و قدرت بهره‌مندی از فکر و عقل را برای او راحت‌تر می‌نماید. چنین انسانی، زمین را بر خود

^۱ Myers

تنگ نمی‌بیند، در کوچه باغ زندگی او، از بن‌بست خبری نیست، در نتیجه، از زندگی کردن لذت می‌برد و وجودش برای خود و دیگران ارزش‌مند می‌گردد (رحیمی یگانه، 1385: 25).

جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که، فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب می‌باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای است از، نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فراگرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین نشاط اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود (ازکمپ، 1373: 66).

در توجیه ضرورت پژوهش حاضر نیز، می‌توان به دو مسئله اشاره کرد: اول این که، یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله شادی و نشاط انسان‌هاست، زیرا انسان با نشاط، انسانی کارا، مولد، مبتکر و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک شایانی خواهد کرد. همان گونه که در طرح مسئله نیز عنوان شد، نظریه‌های نوین توسعه، پیشرفت هر جامعه را، در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه می‌دانند. بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی توسعه و سیاست‌گذاری فرهنگی، مستلزم بذل توجه به مقوله شادی و نشاط است. اما در نظر گرفتن این مقوله، نیازمند شناخت و بررسی دقیق و علمی آن است و از این منظر، پژوهش حاضر و نیز پژوهش‌های مشابه ضرورت می‌یابند. مسئله دوم، پیامدهای نشاط اجتماعی چه از بعد سلبی و چه از بعد ایجابی است. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که، افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند آسان‌تر تصمیم می‌گیرند و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر اظهار رضایت می‌کنند (مایرز، 2002: 481). با توجه به این که تحقیق حاضر به بررسی میزان نشاط اجتماعی کودکان و نوجوانان 12-18 سال تحت حضانت بهزیستی و اقوام که یکی از قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و محروم از کانون گرم خانواده می‌باشد، می‌پردازد. کودکان با نشاط، در جامعه احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد بیشتری دارند و به تجربه ثابت شده است که شادی و نشاط، ماده اولیه تغییر جامعه و تحول و تکامل درونی انسان‌هاست، بنابراین کم توجهی به مسئله شادی که یکی از شاخص‌های پیشرفت جامعه و از اصول برنامه‌ریزی توسعه و سیاست‌گذاری فرهنگی است، باعث بالا رفتن افسردگی که یکی از شایع‌ترین بیماری‌های روانی است، می‌شود و در جامعه ما، که سن افسردگی به 17 سال تنزل پیدا کرده است، پرداختن به مسئله شادی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

به نظر سیمن، واژه بیگانگی امروزه چنان متداول شده که، در تبیین هر چیزی بدان رجوع می‌شود. سیمن صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه‌گونه را در 5 نوع (احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری یا احساس

ناهنجاری، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر قابل تمیز داده است (محسنی تبریزی، 1370: 67).
 سیمن نیز، با استعانت از مفهوم بیگانگی، کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن را مسئول شرایطی بداند که در آن انسان، قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی، به گونه‌ای است که فرد ارتباطی بین خود و پاداش ماخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد چیره می‌شود و باعث نارضایتی و کاهش شادی و نشاط فرد می‌شود و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، 1374: 92).

باید خاطر نشان ساخت که، نظریه‌های اجتماعی که درباره بیگانگی مطرح شده‌اند، تلویحاً در برگیرنده مقوله رضایت از زندگی هم هستند. به عبارت دیگر، می‌توان احساس بیگانگی اجتماعی را، تلویحاً به معنای تبیین نارضایتی و عدم بهروزی به شمار آورد. به عبارت دیگر، بیگانگی اجتماعی به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه‌های اصلی وجود اجتماعی‌اش بوده و به طور ضمنی، مبین نارضایتی و ناخرسندی است (محسنی تبریزی، 1373: 73).

بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایطی مشابه با آن‌ها داشته باشد. اگر در نتیجه مقایسه، برای فرد، چنین پنداشتی به وجود آید که، بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده است در مقابل با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شود. این امر به بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در سطح فردی و اجتماعی می‌انجامد (خورشیدی، 1393: 6). کمپر و کولین¹ (1990) با دو مفهوم رابطه‌ای قدرت و منزلت در تئوری‌اش منشأ اجتماعی عواطف را در سطح تعاملات اجتماعی توضیح می‌دهد. از نظر او افسردگی به عنوان یک عاطفه، پیامد از دست دادن منزلت می‌باشد. به عبارتی، روابط قدرت و منزلت بین کنشگران اجتماعی، حامل پیامدهای عاطفی برای آن‌هاست. وقتی منزلت یک کنشگر افزایش می‌یابد، این افزایش منزلت به طور معمول موجب احساس خشنودی در او می‌شود (محسنی تبریزی، 1387: 229-226).

خود انسان از نظر گافمن (1964)، در صحنه نمایش و از طریق اجرای نمایش، در ارتباط با حضار شکل می‌گیرد و به وجود می‌آید. به نظر گافمن، خود، یک چیز اندامی نیست که جای خاصی داشته باشد (ریتزر، 1377: 291). به عبارت دیگر، هر کسی که بین هویت بالقوه و هویت بالفعل‌اش، شکافی وجود داشته باشد داغ خورده است (ریتزر، 1377: 562). داغ یک آسیب اجتماعی یا زیستی است که، تصور ذهنی دیگران را

¹ kemper and Collins

نسبت به هویت انسان مخدوش و متزلزل می‌کند و اگر خودپنداره مورد انتظارش نباشد منجر به ناخوشایندی می‌شود، به عبارتی اگر خودپنداره مورد انتظارش باشد (مثبت) منجر به شادی و شادکامی (نشاط) می‌گردد و احتمالاً باعث انگشت‌نما شدن فرد می‌شود و تصور و خودپنداره فرد را از هویتش، متزلزل می‌سازد و هویت ذاتی و موجود فرد را دچار گسست و شکاف می‌کند (گافمن، 1964؛ به نقل از ریتزر، 1377: 24).

جنسیت نیز موضوع تحقیقات زیادی در ارتباط با شادمانی بوده است. داینر و همکاران (1999) معتقدند که، میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود، به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که، زنان نسبت به مردان هم عاطفه منفی بیشتری و هم عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد.

ریچاردز (2000) سرمایه اجتماعی یا همبستگی اجتماعی را، چگونگی شبکه روابط اجتماعی، دوستی‌ها، احساس کنترل شخصی و اعتماد اجتماعی می‌داند. به عقیده او، سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فرد و ...) بر میزان شادمانی افراد جامعه اثر می‌گذارد (میرشاه جعفری، 1381).

- هزارجریبی و همکارانش در سال 1388 نشان دادند که، تقویت نشاط اجتماعی در جامعه به صورت تک‌علتی نمی‌باشد، بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی و فرافردی (مثل احساس محرومیت، ارضاء نیازها، احساس مقبولیت نزد دیگران، احساس عدالت توزیعی، فضای عمومی جامعه و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) می‌باشد، که در تقویت و یا کاهش نشاط در افراد جامعه تاثیر دارد و هم‌چنین دریافته‌اند که، در مجموع سه متغیر امید به آینده، ارضاء نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته، 0/537 از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند (هزارجریبی و همکاران، 1388: 146-119).

- نتایج مطالعه طلیمه خادمیان و طوبی فرجی (1392)، در تحقیقی با عنوان "عوامل موثر در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شرق تهران" نشان‌دهنده آن است که، میزان نشاط دانشجویان در حد متوسط و پایین می‌باشد. هم‌چنین مطابق یافته‌های تبیینی بین متغیرهای تاهل، میزان درآمد ماهیانه خانوار و میزان نشاط آن‌ها، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، خودپنداره مثبت و میزان احساس نشاط همبستگی مثبت و معنی‌دار و بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی با احساس نشاط همبستگی معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. مطابق یافته‌ها بین جنس و میزان نشاط اجتماعی آنان ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

- نتایج تحقیق ربانی و دیگران (1386)، در شهر اصفهان نشان می‌دهد که میانگین شادی پاسخگویان،

56/23 بوده، که تقریباً در حد متوسط قرار دارد. چلبی و موسوی (1387) در شهر تهران و سه شهر یزد، اردکان و میبد، میانگین شادمانی کل پاسخگویان هر 4 شهر نمونه، 48/60 بوده، که کمی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد.

- هزارجریبی و آستین‌فشان (1388)، در تحقیقی در استان تهران، به این نتیجه رسیده‌اند که، میزان شادی و نشاط 18 درصد از پاسخگویان کم و بسیار کم، 54 درصد متوسط و 28 درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. هزارجریبی و صفری شالی در سال 1389 در استان مرکزی تحقیقی را انجام داده‌اند که میزان شادکامی 18/6 درصد از پاسخگویان، در حد کم، 61/7 درصد در حد متوسط و 19/6 درصد در حد زیاد بوده است.

- باصری (1389) تحقیقی را در 11 استان کشور انجام داده است. میانگین نمره کل شادی پاسخگویان، در معادل 56/19 بوده، که در حد متوسط قرار دارد.

- دهقانی (1390)، در قالب پایان‌نامه دانشجویی، به بررسی میزان شادی و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. تحقیق دهقانی در بین دانشجویان دانشگاه‌های پلی‌تکنیک و علامه طباطبایی صورت گرفته و نتایج تحقیق آن نشان می‌دهد که، میزان شادی 35 درصد از پاسخگویان پایین، 37/3 درصد متوسط و 27/8 درصد بالا بوده است. میانگین نمره شادی کل پاسخگویان 44/2 با دامنه بین 17 تا 74 بوده است.

- مطالعه خوشفر و همکاران (1392) در بین جوانان شهر بابلسر، نشان داد که، میزان شادی 32/4 درصد کل پاسخگویان پایین، 37/6 درصد متوسط و 30 درصد بالا بوده است. میانگین نمره شادی کل پاسخگویان 58/3 با دامنه بین 24 تا 95 بوده است.

- ویدا صیפורی و علی فلاحتی (1390)، در تحقیقی با عنوان "بررسی اهمیت و ضرورت نشاط از دیدگاه قرآن و تعالیم دینی" به این نتیجه رسیدند که، خوشحالی در جامعه به تولید بهتر و اشتغال بیشتر منجر می‌شود و امنیت اجتماعی فراهم می‌آورد.

- محمدرضا ایروانی (1390)، در بررسی تاثیر "برنامه‌های شادی‌آفرین بر کاهش افسردگی شهروندان ساکن اصفهان" به این نتیجه رسیدند که، بین سلامت روحی و کاهش اضطراب و نشاط رابطه وجود دارد. سیف‌اله فضل‌الهی و همکارانش (1389)، در تحقیقی با عنوان "سنجش میزان عوامل موثر بر شادی دانشجویان پردیس قم" به این نتیجه رسیدند که، تعامل اجتماعی، امکانات رفاهی، محیط اجتماعی، مشارکت در جمع، عضویت در گروه‌ها از عوامل موثر در نشاط اجتماعی هستند.

- اسنوب (2008)، تحقیقی با عنوان "مذهبی بودن و شادکامی در سه کشور" انجام داد. وی در این تحقیق در پی این بود که، تاثیر مذهب را بر شادکامی بررسی کند. برای این کار وی تحقیق ارزش‌های جهانی را در سه کشور آمریکا، هلند و دانمارک در سال 2000 انجام داد. وی از هفت شاخص خود گزارشی

جهت مذهبی بودن استفاده کرد و شادکامی را تنها با یک سوال در مورد میزان رضایت از زندگی سنجید. همبستگی‌های بین مذهبی بودن و شادکامی به نظر مثبت، ولی ناچیز می‌رسید. بیشترین همبستگی مربوط به آمریکا، با مقدار 0/13 بیشترین معناداری، سپس در هلند و دانمارک با مقدار 0/05 بدون معناداری بوده است. لوایس و همکاران (2005) در تحقیقی با عنوان "جهت‌گیری مذهبی، الگوبرداری مذهبی و شادکامی در بین جوانان بریتانیا انجام داده‌اند. هدف آن‌ها از این تحقیق، بررسی رابطه مذهب و نشاط از طریق متون و یافتن تاثیرات این موضوع بر سلامت روانی بود. جهت این کار حجم نمونه‌ای به تعداد 138 نفر از جوانان بریتانیایی انتخاب و داده‌ها از طریق 2 مقیاس مذهب مقیاس جهت‌گیری مذهبی (خرده مقیاس‌های درونی و بیرونی) و مقیاس الگوبرداری (خرده مقیاس منفی و مثبت) و شادکامی (افسردگی - شادکامی و فرم کوتاه پرسشنامه شادکامی آکسفورد) جمع‌آوری شد. به طور کلی رابطه معناداری بین نمرات مذهب و نمرات شادکامی پیدا نشد. همچنین همبستگی بالایی بین نمرات دو خرده مقیاس، جهت‌گیری مذهبی و الگو- برداری مذهبی، مثبت وجود داشت و رابطه معناداری با نمرات پرسشنامه فرم کوتاه شادکامی آکسفورد نیز داشت. هیلز و آرگایل در سال 1997 به رابطه مثبت مذهب و همبستگی‌هایی میان عامل اجتماعی (OHI) و رابطه‌شان با شادی که بهزیستی را تولید می‌کند، پرداختند (هیلز¹ و دیگری، 2001: 172-157). آرگایل (2001) مولفه‌های رضایت از زندگی، کارآمدی و اجتماعی بودن، سلامت شناخت مثبت، احساس خوشی و عزت‌نفس را از عوامل مهم شادکامی مطرح می‌کند (آرگایل، 2001: 55-44). آرگایل (1999) در یک نتیجه‌گیری کلی از پژوهش‌های انجام شده، در مورد ارتباط عوامل دموگرافیک دریافت که، متغیرهای مختلف دموگرافیک مثل سن، جنس، شغل، درآمد و ... فقط 15 درصد از واریانس شادی را تبیین می‌کنند (آرگایل، 1989: 203-185).

اهداف تحقیق

اهداف کلی

- تعیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم مراکز تحت حضانت بهزیستی و کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام.

اهداف اختصاصی

- تعیین رابطه بین سرمایه فرهنگی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام

- تعیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم

¹ Hills

- تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
- تعیین رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و سن در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
 - تعیین تفاوت میزان سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
 - تعیین رابطه بین میزان نشاط اجتماعی و سن در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
 - تعیین تفاوت میزان نشاط اجتماعی بر حسب جنسیت در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
 - تعیین رابطه بین میزان سرمایه فرهنگی و سن در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام
 - تعیین تفاوت میزان سرمایه فرهنگی بر حسب جنسیت در بین کودکان و نوجوانان 12-18 سال مقیم تحت حضانت بهزیستی و کودکان تحت حضانت اقوام.

ابزار و روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق، شامل کودکان بین 12-18 ساله، از دو گروه از کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی مراکز بهزیستی و کودکان و نوجوانانی که تحت حضانت اقوام در شهر تبریز بودند که تعداد کودکان و نوجوانان تحت مراقبت در مراکز بهزیستی 90 و تحت حضانت اقوام 800 نفر، که جمعاً 890 نفر می‌باشند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری 5 درصد، 333 نفر به دست آمد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه آماری انتخاب شدند. تحقیق حاضر از نوع کمی و پیمایشی است. هم‌چنین با توجه به معیار زمان، این تحقیق از نوع تحقیقات مقطعی است. در این تحقیق، برای سنجش میزان نشاط اجتماعی افراد مورد مطالعه، از پرسشنامه استاندارد آکسفورد استفاده شد. برآورد «اعتبار^۱» پرسشنامه نیز از طریق «اعتبار صوری^۲» صورت گرفته است.

جدول شماره (1): خروجی پایایی پرسشنامه به تفکیک متغیرهای تحقیق

^۱ Validity
^۲ Face Validity

متغیر	خروجی پایایی پرسشنامه (آلفای کرونباخ)
نشاط اجتماعی	0/959
سرمایه فرهنگی	0/783
سرمایه اجتماعی	0/796
کل پرسشنامه	0/926

یافته‌ها

ابتدا به توصیف آماری تحقیق می‌پردازیم جایی که افراد مورد مطالعه از نظر جنسیت، تعداد دختران 168 یعنی 50/5 درصد و تعداد پسران 165 نفر با درصد 49/5 می‌باشد. آمار نشانگر این است که، تعداد دختران و پسران در حجم نمونه انتخابی تقریباً تعدادشان برابر می‌باشند.

بیشتر کودکان و نوجوانان 15 ساله هستند. بعد از آن 17 ساله‌ها با 17/1 درصد، در رده بعدی قرار دارند. 16/2 درصد 18 ساله و 15/6 درصد، 16 ساله هستند. کمترین آمار نیز، مربوط به کودکان و نوجوانان 14، 13 و 12 ساله، به ترتیب با 14/4، 12/3 و 6/3 درصد می‌باشد. در حالت کلی می‌توان گفت که، بالای 60 درصد از کودکان و نوجوانان، در سنین 15 به بالا قرار دارند. بیشتر کودکان و نوجوانان مورد مطالعه، سطح تحصیلاتشان راهنمایی با 39/3 درصد و دبیرستان با 39 درصد می‌باشد. همچنین 13/8 درصد در مقطع پیش‌دانشگاهی و کمترین آمار نیز مربوط به سطح تحصیلات ابتدایی با 7/87 درصد می‌باشد.

نشاط اجتماعی: متغیر ملاک، در این تحقیق میزان نشاط اجتماعی می‌باشد. این متغیر در قالب 29 گویه مطرح شد. که مقدار 0 نشان‌دهنده کمترین میزان نشاط اجتماعی و نمره 3 نشان‌دهنده بالاترین میزان آن است. بنابراین انتظار بر این است که تغییرات شاخص از 0-87 نوسان داشته باشد. جدول شماره (2) بیانگر این است که، انحراف معیار برابر 16/07 است، به عبارتی پراکندگی نمرات شاخص پیرامون میانگین زیاد است. میانگین نمرات نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت اقوام 34/09 و کمترین و بیشترین نمره به ترتیب 0 و 75 است و با احتساب درصد، میانگین میزان نشاط اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام، 39/18 درصد می‌باشد که، در حد متوسط به پایین می‌باشد. یکی از عوامل اجتماعی که با متغیر ملاک تحقیق (میزان نشاط اجتماعی) در این تحقیق بررسی شد، میزان سرمایه فرهنگی می‌باشد. این متغیر در قالب 17 گویه، در سه بعد ذهنی، عینی و نهادی، در سطح طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. مقدار 1 نشان‌دهنده کمترین میزان سرمایه فرهنگی و نمره 5 نشان‌دهنده بالاترین میزان آن است. بنابراین انتظار بر این است که، تغییرات شاخص از 5-85 نوسان داشته باشد. انحراف معیار برابر 6/57 است و بیانگر این است که، پراکندگی نمرات شاخص پیرامون میانگین چندان زیاد نیست و از این‌رو، آماره میانگین می‌تواند بهترین توصیف‌کننده توزیع باشد. میانگین نمرات سرمایه فرهنگی کودکان تحت حضانت اقوام 36/91 و کمترین و بیشترین نمره، به ترتیب 24 و 58 است و با احتساب درصد، میانگین میزان سرمایه اجتماعی این گروه از کودکان 43/42 درصد می‌باشد که، در حد متوسط می‌باشد. متغیر سرمایه اجتماعی در قالب 16 گویه، در سطح طیف لیکرت، اندازه‌گیری شده است. مقدار 1 نشان‌دهنده کمترین میزان پایبندی و نمره 5 نشان‌دهنده بالاترین میزان سرمایه اجتماعی است. بنابراین انتظار بر این است که، تغییرات شاخص از 16-80 نوسان داشته باشد. جدول شماره (2) نشان

می‌دهد که، انحراف معیار برابر 6/487 است. کمترین نمره 23 و بیشترین آن 60 نمره و میانگین نمرات 37/76، و با احتساب درصد، 47/2 درصد می‌باشد. بنابراین، میزان سرمایه اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام، در حد متوسط به پایین می‌باشد. همچنین با توجه به نزدیکی نمرات میانگین، میانه و مد، توزیع داده‌ها در اطراف میانگین تا حدودی نرمال می‌باشد.

جدول شماره (2): شاخص‌های توصیفی نشاط اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی در کودکان تحت حضانت اقوام

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
نشاط اجتماعی	34/09	31	29	16/07	258/48	0	75	0/537	1/124
سرمایه فرهنگی	36/91	36	34	6/578	43/28	24	58	0/803	0/422
سرمایه اجتماعی	37/76	38	36	6/487	46/883	23	60	0/284	0/773

جدول شماره (3) نشان می‌دهد که، میانگین نمرات نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی، 21/72 آمده است و کمترین نمره 0 و بیشترین نمره 62 می‌باشد و پس از به درصد رساندن، میانگین نمرات میزان نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت بهزیستی، 24/96 درصد به دست آمد که در حد پایین می‌باشد. همچنین انحراف از معیار به مقدار 13/660، بیانگر این است که، پراکندگی نمرات پیرامون میانگین تا حدودی زیاد می‌باشد. در توصیف وضعیت سرمایه فرهنگی کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی، نتایج جدول شماره (3) نشان می‌دهد که، از 17 سوال مطرح شده از حد نصاب بین 85-17، میانگین نمرات 34/23 آمده است که، کمترین نمره 23 و بیشترین نمره 48 می‌باشد و پس از به درصد رساندن میانگین نمرات میزان سرمایه فرهنگی کودکان تحت حضانت بهزیستی 40/27 درصد به دست آمد که در حد متوسط می‌باشد. همچنین انحراف از معیار به مقدار 7/185، بیانگر این است که پراکندگی نمرات پیرامون میانگین تا حدودی زیاد می‌باشد. همچنین در آمار توصیفی میزان سرمایه اجتماعی در این گروه از کودکان جدول شماره (3) نشان می‌دهد که، انحراف معیار برابر 7/509 است. کمترین نمره 20 و بیشترین آن 51 نمره و میانگین نمرات 28/93 و با احتساب درصد، 47/2 درصد می‌باشد که میزان سرمایه اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی در حد متوسط به پایین می‌باشد. همچنین با توجه به نزدیکی نمرات میانگین، میانه و مد، توزیع داده‌ها در اطراف میانگین تا حدودی نرمال می‌باشد.

جدول شماره (3): شاخص‌های توصیفی نشاط اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی در کودکان تحت حضانت بهزیستی

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
نشاط اجتماعی	21/72	20	19	13/660	186/61	0	62	1/174	1/844

-1/206	0/355	48	23	51/626	7/185	25	32	34/23	سرمایه فرهنگی
0/293	1/069	51	20	56/398	7/509	24	26	28/93	سرمایه اجتماعی

در این بخش از مطالعه، به تحلیل روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخته خواهد شد. این تحلیل شامل بررسی روابط دو به دو و چندگانه خواهد بود. در تحلیل روابط دو به دو متغیرها، روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تک به تک آزمون خواهند شد، سپس رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن و جنس) با متغیر وابسته و مستقل تحقیق تحلیل می‌گردد.

- بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و

بهزیستی

در فرضیه اول با توجه به این که متغیر سرمایه فرهنگی، در سطح مقیاس فاصله‌ای و متغیر وابسته میزان نشاط اجتماعی، در سطح مقیاس فاصله‌ای، سنجیده می‌شود. بنابراین، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول شماره (4)، مربوط به این آزمون، برای هر دو گروه، کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی ارائه شده است که نتایج آن نشان می‌دهد، بین میزان سرمایه فرهنگی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام با سطح معنی‌داری (0/067)، در سطح 0/05 معنی‌دار و با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (0/114) رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. بنابراین، این فرضیه در مورد این گروه از کودکان و نوجوانان تایید می‌گردد. به عبارتی، هر چه میزان سرمایه فرهنگی، در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آن‌ها نیز بالاتر می‌رود. همچنین در بررسی ابعاد سرمایه فرهنگی با میزان نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت اقوام، سرمایه ذهنی با توجه به سطح معنی‌داری (0/000) و ضریب همبستگی (**0/538) در سطح 0/99 معنی‌دار بوده و بعد عینی نیز، با سطح معنی‌داری (0/006) و ضریب همبستگی (**0/321) در سطح 0/99 درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، هرچه میزان سرمایه فرهنگی ذهنی و عینی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. اما با بعد نهادی، رابطه معنی‌داری، با توجه به سطح معنی‌داری (0/597) وجود ندارد.

نتایج آزمون پیرسون، برای کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی نیز، با توجه به سطح معنی‌داری (0/000) و ضریب همبستگی (**0/467) در سطح 0/99 درصد معنی‌دار بوده و بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و همبستگی بالایی وجود دارد. به عبارتی، هر چه میزان سرمایه فرهنگی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین در بررسی رابطه بین نشاط اجتماعی با تک تک ابعاد سرمایه فرهنگی، فقط با بعد

عینی سرمایه فرهنگی، رابطه معنی دار (0/040) در سطح 0/95 درصد وجود دارد. اما با ابعاد ذهنی و نهادی رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره (4): همبستگی سرمایه فرهنگی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان بهزیستی و اقوام

متغیرها	نشاط اجتماعی	بهزیستی	اقوام
سرمایه فرهنگی	ضریب همبستگی	**0/467	0/114
	سطح معنی داری	0/000	0/067
سرمایه فرهنگی ذهنی		-0/074	0/538**
		0/231	0/000
سرمایه فرهنگی عینی		0/128*	0/321**
		0/040	0/006
سرمایه فرهنگی نهادی		-0/060	-0/063
		0/338	597
کل		73	260

- بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

در فرضیه دوم، متغیر سرمایه اجتماعی، در سطح مقیاس فاصله‌ای و میزان نشاط اجتماعی، در سطح فاصله‌ای، اندازه‌گیری و برای معنی دار بودن رابطه بین آن‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول شماره (5) مربوط به این آزمون، برای هر دو گروه کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی ارائه شده است که نتایج آن نشان می‌دهد، بین میزان سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی با سطح معنی داری (0/000) رابطه معنی دار و با توجه به ضریب همبستگی در کودکان اقوام و بهزیستی به ترتیب به مقدار (**0/238)، (**0/477)، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و در سطح معنی داری 0/99 مورد تایید می‌باشد. بنابراین، هرچه میزان سرمایه اجتماعی، نزد کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی، در بین آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین در بررسی میزان نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت اقوام با ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد احساس امنیت و اعتماد، با سطح معنی داری (0/000) و ضریب همبستگی (**0/356) و بعد ارتباط با دوستان، با سطح معنی داری (0/000) و ضریب همبستگی (**0/253)، رابطه

معنی‌دار در سطح 0/99 درصد مورد تایید می‌باشد. بنابراین هرچه میزان احساس امنیت و اعتماد اجتماعی، و ارتباط با دوستان، در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آنها نیز بالاتر می‌رود. همچنین بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی با نشاط اجتماعی کودکان در تمامی ابعاد سطح معنی‌داری 0/99 به جز بعد ارتباط با دوستان، با سطح معنی‌داری 0/95 درصد مورد تایید می‌باشد.

جدول شماره (5): همبستگی سرمایه اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

متغیرها	نشاط اجتماعی	حضانت اقوام	حضانت بهزیستی
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	0/238**	0/477**
	سطح معنی‌داری	0/000	0/000
ارزش زندگی		0/054	0/401**
		0/382	0/000
احساس اعتماد و امنیت		0/356**	0/432**
		0/000	0/000
ارتباط با دوستان		0/253**	0/269*
		0/000	0/022
مشارکت در اجتماع		0/058	0/346**
		0/350	0/003
	N	260	73

- بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی در این فرضیه نیز، با توجه به این که هر دو متغیر، در سطح سنجش فاصله‌ای، هستند. از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، استفاده شد. سطح معنی‌داری (0/526) جدول شماره (6) که مربوط به کودکان و نوجوانانی است که تحت حضانت اقوام هستند نشان می‌دهد، بین میزان سرمایه اجتماعی و سن آنها رابطه معنی‌دار وجود ندارد و این رابطه در بین کودکان تحت حضانت اقوام تایید نمی‌گردد. اما در بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی با سن کودکان این گروه، بعد ارتباط با دوستان با سطح معنی‌داری (0/099) و ضریب همبستگی (0/103-) مورد تایید می‌باشد. بنابراین، هر چه سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام، بالاتر می‌رود، میزان ارتباط با دوستان در بین آنها پایین‌تر می‌آید. آزمون پیرسون، برای بررسی رابطه بین سن و میزان سرمایه اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری (0/969) می‌باشد. با توجه به بالاتر بودن از سطح معنی‌داری 0/05، رابطه بین این دو متغیر تایید نمی‌شود و در بررسی رابطه سن با ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد

مشارکت اجتماعی با سطح معنی‌داری (0/034)، و ضریب همبستگی (*-0/249)، در سطح 0/95 رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. بنابراین، هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی بالاتر می‌رود، مشارکت اجتماعی آن‌ها کمتر می‌شود.

جدول شماره (6): همبستگی سرمایه اجتماعی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

متغیرها	سن	حضانت اقوام	حضانت بهزیستی
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی	-0/007	-0/009
	سطح معنی‌داری	0/911	0/969
ارزش زندگی		0/062	-0/029
		0/319	0/807
احساس امنیت و اعتماد اجتماعی		-0/029	0/101
		0/645	0/395
ارتباط با دوستان		-0/103	-0/027
		0/099	0/821
مشارکت در اجتماع		0/045	-0/249*
		0/468	0/034
	N	260	73

- بررسی تفاوت بین سرمایه اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب

جنسیت

در بررسی فرضیه چهارم، با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس متغیر سرمایه اجتماعی و اسمی بودن مقیاس متغیر جنسیت، از آزمون تی‌تست دو گروه مستقل استفاده شد. که نتایج جدول (7) نشان می‌دهد که در بررسی تفاوت بین سرمایه اجتماعی برحسب جنسیت کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام، با توجه به سطح معنی‌داری (0/188)، تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران تحت حضانت اقوام وجود ندارد. میزان نشاط اجتماعی در بین دختران این گروه، 47/78 درصد و در بین پسران، 46/6 درصد، می‌باشد که تفاوت آن‌چنانی مشاهده نمی‌شود. بنابراین، این فرضیه در مورد کودکان تحت حضانت اقوام رد شد. هم‌چنین آزمون تی‌تست که برای بررسی تفاوت میانگین میزان نشاط اجتماعی در کودکان تحت حضانت بهزیستی برحسب جنسیت آن‌ها گرفته شد، نتایج جدول (7) با سطح معنی‌داری 0/000 نشان می‌دهد که،

تفاوت معنی‌داری بین جنسیت و میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد. میزان سرمایه اجتماعی در بین دختران 29/72 درصد و در بین پسران تحت حضانت بهزیستی 41/46 درصد می‌باشد. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی پسران نسبت به دختران تحت حضانت بهزیستی بیشتر است.

جدول شماره (7): آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب جنسیت

آزمون تی تست		آزمون لون	
برای بررسی میانگین‌ها		برای بررسی واریانس‌ها	
نقده	میانگین سرمایه اجتماعی	T	میانگین سرمایه اجتماعی
میانگین سرمایه اجتماعی	میانگین سرمایه اجتماعی		خطای معیار
0/55155	0/8487	1/319	0/755
1/38629	9/3871	71	0/000
36/973	0/000	-6/771	0/097
33	29/72	1/849	0/097
40	41/46	7/775	0/097

- بررسی رابطه نشاط اجتماعی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی در بررسی رابطه بین نشاط اجتماعی و سن کودکان تحت حضانت اقوام و بهزیستی، با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری هر دو متغیر فرضیه، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره (8) نشان می‌دهد که این رابطه در بین کودکان تحت حضانت اقوام با توجه به سطح معنی‌داری (0/526) رد می‌شود، اما در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی، با سطح معنی‌داری (0/016) در سطح 0/95 درصد مورد تایید و ضریب همبستگی (*-0/282) نشانگر رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر است. بنابراین، هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی بالاتر می‌رود میزان نشاط اجتماعی در بین آن‌ها کاهش پیدا می‌کند.

جدول شماره (8): همبستگی نشاط اجتماعی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

متغیرها	سن	حضانت اقوام	حضانت بهزیستی
---------	----	-------------	---------------

-0/282*	-0/040	ضریب همبستگی	نشاط اجتماعی
0/016	0/526		سطح معنی‌داری
73	260		N

- بررسی تفاوت نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب

جنسیت

در بررسی فرضیه ششم، با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیر ملاک نشاط اجتماعی و اسمی بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیر جنسیت از آزمون تی‌تست دو گروه مستقل استفاده شد، که نتایج جدول شماره (9) نشان می‌دهد که در بررسی تفاوت نشاط اجتماعی دختران و پسران کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (0/666) و میزان نشاط اجتماعی در بین دختران این گروه 39/66 درصد و در بین پسران 38/66 درصد می‌باشد که تفاوت آن‌چنانی مشاهده نشد. بنابراین، این فرضیه در مورد کودکان تحت حضانت اقوام رد شد. به عبارتی میزان نشاط اجتماعی دختران و پسران تحت حضانت اقوام تقریباً یکسان است. همچنین در بررسی تفاوت میانگین میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان تحت حضانت بهزیستی نتایج همان طور که در جدول شماره (9) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری، با فرض برابری واریانس، بالاتر از سطح 0/05 درصد بوده و مورد تایید نمی‌باشد. میانگین میزان نشاط اجتماعی در بین دختران تحت حضانت بهزیستی 21/97 درصد و میزان نشاط اجتماعی پسران 27/43 درصد می‌باشد.

جدول شماره (9): آزمون تفاوت میانگین نشاط اجتماعی کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب جنسیت

آزمون تی‌تست		نشاط اجتماعی	
آزمون لون	برای بررسی واریانس‌ها	آزمون تی‌تست	برای بررسی میانگین‌ها
آماره F	سطح معنی‌داری	T	درجه آزادی
			سطح معنی‌داری
			تفاوت میانگین
			سطح معنی‌داری
31/564	0/088	0/432	258
			0/666
			0/86311
			1/99877
			کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام
30/441	0/000	-1/492	71
			0/140
			-4/753
			3/1858
			کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی

- بررسی سرمایه فرهنگی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، جدول شماره (10)، برای بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی، و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی نشان می‌دهد بین میزان سرمایه فرهنگی و سن کودکان تحت حضانت اقوام، با توجه به سطح معنی‌داری (0/011) در سطح 0/05 معنی‌دار بوده و

ضریب همبستگی (*0/158) نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر است، بنابراین این فرضیه در مورد کودکان تحت حضانت اقوام تایید می‌گردد. پس، هر چه سن کودکان تحت حضانت اقوام بالاتر باشد، میزان سرمایه فرهنگی نیز در بین آنها بیشتر می‌شود.

همچنین در بررسی ابعاد سرمایه فرهنگی، با سن کودکان تحت حضانت اقوام، بعد سرمایه ذهنی و سرمایه نهادینه شده، به ترتیب با سطح معنی‌داری (0/003) و (0/016) در سطح معنی‌داری 0/99 و 0/95 مورد تایید می‌باشد. بنابراین، با احتمال 99 درصد، می‌توان گفت که هر چه سن کودکان تحت حضانت اقوام بالاتر می‌رود، میزان سرمایه فرهنگی ذهنی یا تجسم یافته آنها بیشتر می‌شود و با احتمال 95 درصد، می‌توان گفت که، هر چه سن کودکان بالاتر می‌رود، میزان سرمایه فرهنگی نهادی آنها بیشتر می‌شود. همچنین آزمون پیرسون برای بررسی رابطه بین سن و سرمایه فرهنگی، در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی، در جدول شماره (10) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری این رابطه (0/043) می‌باشد که کمتر از سطح 0/05 بوده و مورد تایید می‌باشد. بنابراین، با احتمال 0/95 درصد می‌توان گفت که هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی بیشتر باشد، میزان سرمایه فرهنگی آنها نیز بالاتر می‌رود. همچنین در بررسی هر سه ابعاد سرمایه فرهنگی با سن این گروه از کودکان تنها بعد سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته با سطح معنی‌داری (0/017) کمتر از سطح 0/05 بوده و با احتمال 0/095 می‌توان گفت که، هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی بالاتر می‌رود، با توجه به ضریب همبستگی (*-0/279) میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته آنها پایین‌تر می‌آید.

جدول شماره (10): همبستگی سرمایه فرهنگی و سن کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی

متغیرها	سن	حضانت اقوام	حضانت بهزیستی
سرمایه فرهنگی	ضریب همبستگی	*0/158	*0/238
سطح معنی‌داری		0/011	0/043
سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته		0/185**	-0/279*
		0/003	0/017
سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته		0/040	-0/182
		0/519	0/123
سرمایه فرهنگی نهادینه شده		0/149*	0/152
		0/016	0/198
		260	73
	N		

- بررسی تفاوت سرمایه فرهنگی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب جنسیت

در بررسی تفاوت میانگین میزان سرمایه فرهنگی، کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر اساس جنسیت، از آزمون تی تست دو گروه مستقل، استفاده شد. که نتایج آن در جدول (11) همان گونه که ملاحظه می شود، با سطح معنی داری (0/916)، با فرض برابری واریانس و با توجه به بالاتر بودن از سطح معنی داری 0/05 رد می شود. میانگین میزان سرمایه فرهنگی دختران تحت حضانت اقوام 43/37 درصد و میانگین میزان سرمایه فرهنگی پسران 43/48 درصد می باشد که اختلاف ناچیزی بین آنها وجود دارد، به عبارتی میزان سرمایه فرهنگی دختران و پسران تحت حضانت اقوام تقریباً یکسان می باشد. اما، در بررسی تفاوت میانگین میزان سرمایه فرهنگی کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی، بر حسب جنسیت، نتایج آزمون تی تست، در جدول شماره (11) نشان می دهد که، سطح معنی داری (0/000) مبنی بر تایید این فرضیه در این گروه از کودکان و نوجوانان می باشد. میانگین میزان سرمایه فرهنگی دختران تحت حضانت بهزیستی 35/32 درصد و میانگین پسران 44/35 درصد می باشد. بنابراین میزان سرمایه فرهنگی پسران تحت حضانت بهزیستی از دختران آنها بیشتر می باشد.

جدول شماره (11): آزمون تفاوت میانگین سرمایه فرهنگی

کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی بر حسب جنسیت

آزمون لون	آزمون تی تست						سرمایه فرهنگی
	برای بررسی واریانس ها			برای بررسی میانگین ها			
آماره F	سطح معنی داری	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	آماره تی تست	فنا	
0/761	0/384	-0/105	258	0/916	-0/08593	0/81818	کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام
10/838	0/002	- 5/335	71	0/000	-7/669	1/437	کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی

جنسیت	فراوانی	میانگین میزان سرمایه اجتماعی	خطای معیار
دختر	33	35/32	4/6400
پسر	40	44/35	7/0971

بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر، که به بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی و میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام و بهزیستی می پردازد. نتایج تحقیق نشان داد که، در بین هر دو گروه از کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام، رابطه معنی داری، بین سرمایه فرهنگی و نشاط اجتماعی آنان وجود دارد. در واقع، داشتن سرمایه فرهنگی بالا، به نشاط و شادی در بین نوجوانان کمک

شایانی می‌کند. آن طور که سوئینگ کیم و هیسوم کیم در تحقیق خود، نشان دادند، کسانی که دارای سرمایه فرهنگی بالا هستند، رضایت از زندگی و احساس خوشبختی بیشتری دارند. هم‌چنین فراوانی شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، ارتباط نزدیکی با رضایت از زندگی دارد و تنوع تجربیات فرهنگی، اثر قابل توجهی بر احساس خوشبختی افراد دارد. نتیجه تحقیق ما نیز نشان داد، هر چه بعد عینی سرمایه فرهنگی (خرید کتاب، مجله، دیدن فیلم‌ها، بازی‌های کامپیوتری، رفتن به موزه‌ها و یا نمایشگاه‌های هنری) در بین کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آنان نیز بالاتر می‌رود و اما در بررسی متغیر سرمایه اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی، نتایج نشان داد که، هر چه میزان سرمایه اجتماعی کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی در بین آنها بیشتر می‌شود. نتیجه این فرضیه، مطابق با نظریه ریچاردز می‌باشد که معتقد است سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (سطح تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فرد و ...) بر میزان شادمانی افراد جامعه اثر می‌گذارد.

از دیگر نتایج این تحقیق این بود که، هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی بیشتر باشد، میزان نشاط اجتماعی آنها کاهش پیدا می‌کند. بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که، شرایطی مشابه با آنها داشته باشد. اگر در نتیجه مقایسه برای فرد، چنین پنداشتی به وجود آید که، براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه-ای که عایدش شده است در مقابل با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شود. این امر به بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در سطح فردی و اجتماعی می‌انجامد. مطابق با دیدگاه محرومیت نسبی، می‌توان بیان کرد که کودکان تحت حضانت بهزیستی که سن بیشتری دارند به دلیل رسیدگی بیشتر به کودکان سنین پایین احساس کسالت و دچار افسردگی شده و در نتیجه شادی در بین آنها کاهش پیدا می‌کند.

مطابق دیدگاه داینر و همکاران، میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که، زنان نسبت به مردان هم عاطفه منفی بیشتری و هم عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. نتیجه تحقیق ما نیز نشان داد که در بین کودکان و نوجوانان تحت حضانت بهزیستی و اقوام، تفاوت معنی‌داری بین میزان نشاط اجتماعی دختران و پسران وجود ندارد، بنابراین میزان نشاط اجتماعی در بین دختران و پسران یکسان می‌باشد.

از جمله نتایج این تحقیق این بود که هر چه سن کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام بیشتر باشد، میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها بالاتر می‌رود. از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی افراد باعث ارتقاء جایگاه عینی و نمادی فرد در روابط اجتماعی می‌گردد و نقش اساسی در ابعاد مختلف زندگی جمعی و فردی داشته و می‌تواند به سرمایه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود. به احتمال فراوان یکی از دلایل بالا رفتن سرمایه فرهنگی در کودکان و نوجوانان در سنین بالا، سطح تحصیلات بالا و به تبع آن مطالعات بیشتر آنان می‌باشد.

پیشنادهای اجرایی

- با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر نشاط اجتماعی پایین در کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام و همچنین با توجه به این که، سرمایه فرهنگی بیشتر به خصوص بعد عینی، باعث نشاط در کودکان می‌شود، پیشنهاد می‌شود: اداره بهزیستی برای کودکان، نیازهایی از قبیل: دسترسی به کتاب و کتابخانه، فیلم‌های سینمایی اعم از آموزشی و اجتماعی، بازی‌های کامپیوتری و همچنین بردن کودکان به موزه‌ها و یا نمایشگاه‌های هنری را فراهم کنند تا از این طریق میزان نشاط در بین کودکان افزایش یابد.

- با عنایت به این که، میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن میزان نشاط اجتماعی در بین کودکان تحت حضانت بهزیستی پایین‌تر از کودکان تحت حضانت اقوام می‌باشد، پیشنهاد می‌شود: راهکارهای لازم برای افزایش میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی از قبیل برگزاری مراسمات و جشن‌ها، به عضویت در آوردن کودکان بهزیستی در کانون‌های ورزشی، فرهنگی و مذهبی و مشارکت آن‌ها در کارهای دسته‌جمعی و همچنین برگزاری کلاس‌های مهارتی از قبیل کامپیوتر، نقاشی، زبان انگلیسی، موسیقی و آواز خواندن انجام دهند.

- نتیجه تحقیق مشخص کرد که، نشاط اجتماعی در بین کودکانی که سن‌شان بیشتر است، نسبت به سنین پایین‌تر احساس نشاط کمتری دارند. اما، در کودکان تحت حضانت اقوام برای تمامی سنین نشاط اجتماعی یکسان است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که زمینه‌ای فراهم شود تا تمامی کودکان نهاد بهزیستی از امکانات یکسان برخوردار شوند.

- همچنین برای بالا بردن سرمایه اجتماعی کودکان هر دو گروه پیشنهاد می‌شود زمینه‌ای فراهم شود تا کودکان بهزیستی و اقوام با هم ارتباط متداول در فعالیت‌های مدرسه‌ای، برگزاری اردوهای دسته جمعی و ... داشته باشند، تا احساس نشاط در بین آن‌ها افزایش یابد.

پیشنادهای پژوهشی

- به پژوهشگران، با توجه به این که عوامل اجتماعی مورد بررسی در این تحقیق (سرمایه اجتماعی و فرهنگی) در بین کودکان تحت حضانت اقوام تنها 10 درصد از واریانس متغیر ملاک (میزان نشاط

اجتماعی) را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند، توصیه می‌شود عواملی از قبیل بیگانگی اجتماعی، گذران اوقات و فراق و ... با میزان نشاط اجتماعی کودکان تحت حضانت اقوام بررسی شود.

- همچنین بررسی میزان سلامت اجتماعی در بین کودکان تحت حضانت بهزیستی و اقوام، موضوع مرتبطی با نشاط اجتماعی است که، نتایج آن تحقیق مکمل‌کننده نتایج این پژوهش می‌باشد.

منابع

- آرگایل، م. (1382). روان‌شناسی شادی. ترجمه: م. گوهری انارکی و دیگران. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- اسماعیلی، ف. (1386). بررسی نگرش زیست‌محیطی دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ایروانی، م. (1390). بررسی تاثیر برنامه‌های شادی آفرین بر کاهش افسردگی شهروندان ساکن شهر اصفهان. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*. شماره 47، صص 64-83.
- باصری، ا. (1389). نقش توسعه شادی و نشاط در افزایش روحیه حماسی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*. سال 1، شماره 2، صص 61-71.
- جعفری، ا؛ و دیگران. (1381). شادمانی و عوامل موثر بر آن. *فصلنامه تازه‌های علوم‌شناختی*. سال 4، شماره 3، صص 58-50.
- خورشیدی، ر. (1393). درآمدی بر راههای ارتقاء نشاط اجتماعی. *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*. دوره 16، شماره 3.
- خوش‌فر، غ؛ و دیگران. (1392). *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال سیزدهم، شماره 51، صص 283-314.
- خیرالله‌پور، ا. (1385). *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت روانی بر سرمایه اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دهقانی، ح. (1390). *بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و شادی در میان دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ربانی، ر؛ و دیگران. (1386). فرهنگ و شادی: رویکرد نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. *فصلنامه فرهنگی و ارتباطات*. سال سوم، شماره 8، صص 50-68.
- رحیمی یگانه، ز. (1386). *خانواده شاد و با نشاط، (خانواده موفق/دفتر 3)*. تهران: سازمان ملی جوانان. چاپ اول.
- رفیع‌پور، ف. (1378). *انومی یا آسفتگی اجتماعی، (پژوهشی در زمینه پتانسیل انومی در شهر تهران)*. تهران: انتشارات سروش.
- ریتزر، ج. (1390). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمه: خ. میرزایی و دیگری. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ اول.
- ریتزر، ج. (1388). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: م. ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. چاپ چهاردهم.
- صوبوری، م. (1385). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*. تهران: نشر شب‌تاب. چاپ پنجم.
- صفدری، س. (1374). *رضایت اجتماعی و عوامل موثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی.
- صیفوری، و؛ و دیگری. (1390). اهمیت و ضرورت شادی و نشاط از دیدگاه قرآن، روایات و تعالیم دینی. *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*. شماره 47.

- غریبی، ح. (1389). پیش‌بینی سرمایه اجتماعی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای. **فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی**. سال دوم، شماره دوم.
- فرجی، ط؛ و دیگری. (1392). بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی. **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**. سال چهارم، شماره دهم، صص 87-102.
- فضل‌اللهی، س؛ و دیگری. (1389). **مجله روان‌شناسی و دین**. شماره 123، صص 89-108.
- قطره‌ای، ف. (1385). **بررسی رابطه شادکامی (نشاط) و کیفیت عوامل آموزشی در دوره ابتدایی مدارس شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- گیدنز، آ. (1376). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: م، صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع. (1370). **بیگانگی**. **نامه علوم اجتماعی**. جلد دوم، انتشارات: دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- محسنی تبریزی، ع. (1374). **جزوه درسی نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی**. دوره کارشناسی‌ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- میرشاه جعفری، ا؛ و دیگران. (1381). **شادمانی و عوامل موثر بر آن**. **تازه‌های علوم شناختی**. سال چهارم، شماره سوم.
- نشریه آمار. (1383). **پژوهشنامه انجمن آمار ایران**.
- هزارجریبی، ج؛ و دیگری. (1391). **آنا‌تومی رفاه اجتماعی**. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- هزارجریبی، ج؛ و دیگری. (1388). **بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی، (با تاکید بر استان تهران)**. **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیستم، شماره پیاپی (33)، شماره 1.
- هزارجریبی، ج؛ و دیگری. (1389). **بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل موثر بر آن با مطالعه موردی استان مرکزی**. **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**. شماره سوم. ناشر: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- هزارجریبی، ج؛ و دیگری. (1388). **رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن**. **فصلنامه پژوهشی انتظام اجتماعی**. سال اول، شماره سوم.
- Argyle, M. & etal. (۱۹۸۹). **Happiness and cooperation**. Personality and Individual Differences. Vol. ۱۲, P.p: ۱۰۱۹-۱۰۳۰.
- Argyle, M. (۲۰۰۱). **The psychology of happiness**. London: Routledge. P.p: ۴۴-۵۵.
- Cook, K. (۱۹۹۵). **Sociological Perspective on Social Psychology**. Allyn and Bacon. U.S.A.
- Hills, p. & etal. (۲۰۰۱). **Happiness, introversion- extraversion and happyintrovert**. Personality and Individual Differences. Vol. ۳۰, P.p: ۵۹۵-۶۰۸.
- Myers, D. G. (۲۰۰۰). **The funds, friends, and faith of happy people**. American Psychologist. Vol. ۵۵, P.p: ۵۶-۶۷.
- Snoep, L. (۲۰۰۸). **Religiousness and happiness in three nations**. A research note, J Happiness Stud.